



تکلم به زبانها
در عهد جدید و
روزگار ما

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	طرح مسئله
۵	زبانها در کتاب مقدس
۷	زبانها در اعمال رسولان
۱۲	زبانها در اول قرن‌تین ۱۲-۱۴
۱۵	تکلم به زبانها در روزگار ما
۱۸	روشهای نادرست و افراطی در کاربرد زبانها
۲۲	چند نکته کلی
۲۴	تکریم و حرمت شایسته برای روح القدس

مقدمه

تکلم به زبانها پدیده‌ای است که امروزه مسیحیان از هر فرقه و شاخه‌ای با آن آشنایی دارند. آنانی که به زبانها تکلم می‌کنند، معتقدند که برکتی خاص را طبق "تعلیم صریح" کتاب مقدس از خدا دریافت داشته‌اند؛ آنانی که چنین تجربه‌ای را ندارند، یا خود را از این برکتی خاص محروم می‌شمارند، یا آن را تحقیر می‌کنند، یا شیطانی‌اش به حساب می‌آورند. به هر حال، واقعیت این است که مسأله تکلم به زبانها برای مسیحیتِ روزگار ما تبدیل به معضلی شده که باید پاسخی برای آن یافت.

هدف ما در این مقاله این است که پیش از هر چیز، از تعلیم کتاب مقدس در این زمینه دقیقاً آگاهی بیابیم، اما تا آنجا که ممکن است، به دور از تعصب و به دور از افراط و تفریط، که امیدواریم خدا در این امر ما را هدایت فرماید و مؤید سازد. سپس می‌کوشیم به این امر پردازیم که آیا معتقدان به امر تکلم به زبانها در ادعاهای خود محق هستند یا نه؛ و اگر هستند، تا چه حد.

پیروان نهضت‌های پنطیکاستی و گریزماتیک به‌گونه‌ای راسخ بر این باورند که آنچه می‌کنند، دقیقاً ادامه راه رسولان و کتاب اعمال رسولان و کلاً مسیحیت دوره عهدجدید است. لذا بهترین نقطه آغاز این است که تعلیم کتاب مقدس، خصوصاً عهدجدید را در این زمینه، مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم.

طرح مسأله

در کتاب اعمال رسولان، در سه مورد مشخص ذکر شده که مسیحیان اولیه، به‌هنگام دریافت روح‌القدس، به زبانهای بیگانه سخن می‌گفتند. به شهادت تاریخ کلیسا، این پدیده تا حدود اواخر عهد رسولان و نیز قرن اول میلادی ادامه داشت، اما از قرن دوم میلادی به‌تدریج از میان رفت. تا اینکه در سالهای نخستین قرن بیستم، بین سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۹، نهضت جدیدی از لوس‌آنجلس در آمریکا به‌وجود آمد که این عقیده را ترویج می‌کرد که هر ایماندار باید تجربه دیگری علاوه بر تجربه توبه و ایمان و غسل تعمید به‌دست آورد، به‌نام "تعمید روح‌القدس" که یگانه نشانه آن، تکلم به زبانها است. این نهضت که بر تقدس و بشارت تأکید زیادی می‌گذارد، خیلی سریع در سراسر جهان انتشار یافت و به نهضت پنطیکاستی مشهور گشت.

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم، این نهضت به کلیساهای سنتی، نظیر کلیسای انگلیکن و کاتولیک راه یافت. امروزه در میان کاتولیکها، تعداد بسیاری از مسیحیان، ضمن پایبندی به عقاید سنتی خود، این پدیده را نیز تجربه کرده‌اند. در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم نیز جریانات جدیدی به‌وجود آمد، نظیر "نهضت وین‌یارد"، که معتقد به عطا‌های روح‌القدس، از جمله تکلم به زبانها، می‌باشند، اما تکلم به زبانها را یگانه نشانه تعمید روح‌القدس به‌شمار نمی‌آورند، بلکه آن را صرفاً یکی از عطا‌های روح‌القدس (مذکور در اول قرن‌تین ۱۲-۱۴) می‌دانند.

در نتیجه، باید از هم‌اکنون این دو نهضت را از یکدیگر متمایز کنیم: یکی نهضت پنطیکاستی است که معتقد است که ایمانداران باید برکت دومی را به‌نام تعمید روح‌القدس تجربه کنند که یگانه نشانه آن، تکلم به زبانها است؛ دیگری انواع نهضت‌های گریزما‌تیک است که معتقدند که ایمانداران می‌توانند امروزه انواع عطا‌های فوق‌طبیعی روح‌القدس، از جمله زبانها، را تجربه کنند. در نظر اینها، تکلم به زبانها، یگانه نشانه پری روح‌القدس نیست. پیروان این دو نهضت ممکن است با یکدیگر تداخل بیابند.

البته نباید ناگفته بماند که طبق اصول اعتقادی این نهضت‌ها، هیچ ایمان‌داری نیست که روح‌القدس در او حضور و سکونت نداشته باشد؛ همه این نهضت‌ها می‌پذیرند که هر که به مسیح ایمان می‌آورد، در اثر کار الزام‌آور روح‌القدس می‌تواند به ایمان بیاید. اما اینها معتقد به اینند که ایماندار باید از "برکت دوم" نیز برخوردار شود.

این نکته را نیز باید تذکر داد که همه مسیحیان در تمام دوره‌های تاریخ کلیسا، معتقد به تعمید به روح‌القدس بوده‌اند. اما به شهادت تاریخ کلیسا، این تجربه را هم‌زمان می‌دانستند با توبه و ایمان یا با

غسل تعمید، یا نهادن دستهای کشیش بر سر ایماندار بعد از غسل تعمید. امروزه، در کلیساهای سستی نیز همین روال ادامه دارد. در نتیجه، هیچ فرقه مسیحی را نمی‌توان یافت که به تعمید روح‌القدس اعتقاد نداشته باشد.

حال باید دید که کتاب مقدس در این زمینه چه می‌گوید. آیا واقعاً تکلم به زبانها یگانه نشانه تعمید روح‌القدس است؟ آیا ایمانداران باید امروز نیز مانند زمان رسولان باید به‌هنگام دریافت روح‌القدس، به زبانها تکلم کنند؟ آیا تکلم به زبانها امری است اساسی و حیاتی؟ زبانها چه نقشی در زندگی روحانی ایماندار ایفا می‌کنند؟ این زبانها چه هستند، زبانهای انسانی یا زبانهای فرشتگان؟ با این مقدمات، به بحثی تفصیلی در مورد مسأله زبانها در کتاب مقدس و در روزگار خود می‌پردازیم.

زبانها در کتاب مقدس

در عهدعتیق

در عهدعتیق هیچ اشاره‌ای به "تکلم به زبانها" نشده. اما چند مورد مشخص هست که توجه به آنها به روشن شدن مطالب عهدجدید و تجربه صدر مسیحیت کمک می‌کند. نخستین اشاره به عطای فوق طبیعی که بر اثر ریزش روح‌القدس پدید آمد، در کتاب اعداد ۱۱: ۲۳-۲۹ یافت می‌شود. در این ماجرا، مشاهده می‌کنیم که ۷۰ نفر از مشایخ قوم اسرائیل در اثر ریزش روح‌القدس، شروع به "نبوت" کردند، یعنی مطالبی را در ستایش خدا بیان می‌کردند که حالتی فوق طبیعی داشت.

مورد دوم روشنتر است. شاول، نخستین پادشاه قوم اسرائیل، پس از آنکه در نافرمانی از خدا گرفتار آمد، کمر به قتل داود بست. او زمانی که در تعقیب داود بود، دانست که او در نایوتِ رامه، نزد سموئیل و سایر انبیا به سر می‌برد. لذا سه دسته قاصد به دفعات مختلف به آنجا گسیل داشت. اما هیچیک از آنها باز نگشتند، چون به محض رسیدن به محل، روح خدا بر آنان می‌ریخت و ایشان شروع به "نبوت" می‌کردند. سرانجام شاول خود عازم آن محل شد. وقتی نزدیک رسید، روح خدا بر او نیز ریخت و او شروع به "نبوت" کرد، طوری که با حالتی پشیمان نزد پایهای سموئیل نبی افتاد. خارق‌العاده بودن این ماجرا از این امر درک می‌شود که شاهدان همگی متعجب شدند که شاول شرور نیز نبوت می‌کند. برای آنان مسجل بود که گفته‌های ستایشی شاول در مورد کارهای عظیم خدا، خارج از توان و تسلط خود او می‌باشد.

در این دو ماجرا، اشخاصی که روح القدس بر آنان قرار می‌گرفت، به زبان مادری خود "نبوت" می‌کردند، یعنی مطالبی را در وصف عظمت خدا بیان می‌داشتند و او را می‌ستودند. شاید نکته بسیار مهم در عهدعتیق در مورد زبانها و نبوت و عطاهاى فوق‌طبیعی روحانی، پیشگویی یوئیل نبی می‌باشد که می‌فرماید: "و بعد از آن، روح خود را بر همه بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رؤیاهای خواهند دید. و در آن ایام روح خود را بر غلامان و کنیزان نیز خواهم ریخت" (یوئیل ۲: ۲۸ و ۲۹).

اهمیت این پیشگویی را اینچنین می‌توان بیان داشت. طبق نمونه‌هایی که آوردیم (از هفتاد شیخ در روزگار موسی و از شاول)، می‌توان گفت که عطیه‌هایی نظیر نبوت کردن (بیان امور الهی و ستایش خدا تحت سلطه روح القدس)، به هر کسی عطا نمی‌شد، بلکه خاص انبیا بود، بگونه‌ای که اگر کسی به‌غیر از گروه انبیا نبوت می‌کرد، مردم آن را امری غریب می‌پنداشتند. اما اینک یوئیل پیشگویی می‌کند که روزی فرا خواهد رسید که پسران و دختران اشخاص معمولی، پیران و جوانان، و غلامان و کنیزان، یعنی مردمان از هر جنسیت و طبقه‌ای، روح خدا را دریافت خواهند کرد و نبوت کرده، رؤیا خواهند دید، یعنی همان کاری که فقط انبیا انجام می‌دادند. طبق فرمایش پطرس رسول، این پیشگویی در روز پنطیکاست جامه عمل پوشید (اعمال ۲: ۱۴-۲۱).

در عهدجدید: فقط در دو بخش

در هر چهار انجیل، یحیی تعمیددهنده خدمت خود را با این وعده آغاز می‌کند که چون آن شخص موعود ظهور کند، او مردمان را "به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد". اما یحیی هیچگاه نفرمود که این امر عملاً به چه نحو و به چه شکلی تحقق خواهد یافت. تا اینکه عید پنطیکاست فرا رسید.

در عهدجدید، دو بخش مشخص وجود دارد که در باره تکلم به زبانها سخن می‌گوید. در هیچ جای دیگری از عهدجدید (به استثنای مرقس ۱۶: ۱۷ که این آیه هم متعلق به متن اصلی این انجیل نیست)، به غیر از این دو بخش، در خصوص تکلم به زبانها بحثی به‌عمل نیامده. این بخشها، یکی کتاب اعمال رسولان است و دیگری، اول قرن‌تینان فصل‌های ۱۲ تا ۱۴.

امروزه، تمامی مباحثی که در مورد مسأله تکلم به زبانها مطرح می‌شود، فقط و فقط مبتنی است بر این دو بخش. اما، در اینجا و از همینجا باید یک نکته بسیار مهم را تذکر دهیم: زبانهایی که در کتاب اعمال رسولان مطرح است، مربوط می‌شود به موضوع دریافت روح القدس یا "تعمید روح القدس"؛ اما

زبانهایی که در اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ مطرح است، مربوط به موضوع "عظای روح القدس" می‌شود، و این موضوعی است کاملاً متفاوت لذا باید این دو بخش (یعنی اعمال و اول قرن‌تین) را به‌طور مجزا بررسی کرد و توجه داشت که موضوع بحث، گرچه هر دو به "زبان" اشاره دارند، کاملاً در عرصه‌های متفاوت قرار دارند. پس نخست به بررسی مسأله زبانها در کتاب اعمال رسولان می‌پردازیم.

زبانها در کتاب اعمال رسولان

در کتاب اعمال رسولان، جمعاً سه بار مستقیماً و صریحاً به رویدادهایی اشاره شده که طی آنها، افراد به‌هنگام نزول روح القدس، به زبانها تکلم کردند. این سه رویداد عبارت است از: روز پنطیکاست (فصل ۲)؛ ماجرای کرنیلیوس، افسر رومی (فصل ۱۰ و ۱۱)؛ و ماجرای شاگردان یحیی (فصل ۱۹). یک مورد دیگر نیز هست که در آن به‌طور غیرمستقیم به تکلم به زبانها اشاره شده است (ماجرای ایمان سامریان، فصل ۸). به‌هنگام بررسی این بخشها، توجه داشته باشید که آنها به موضوع نزول روح القدس برای نخستین بار بر افراد اشاره دارد، یعنی همان مقوله‌ای که تحت عنوان "تعمید روح القدس" شناخته شده است.

مورد نخست: روز پنطیکاست

در روز پنطیکاست، پیروان نزدیک عیسی، یعنی قاعدتاً تمامی آن ۱۲۰ نفر (اعمال ۱: ۱۵)، "به یک دل در یک جا بودند" که همگی از روح القدس پر شدند (اعمال ۲: ۳). نشانه این امر اینها بود: آوازی از آسمان چون صدای وزیدن بادی شدید شنیده شد؛ زبان‌هایی شبیه زبان‌های آتش که بر هر یکی از ایشان قرار گرفت؛ سخن گفتن به زبانهای مختلف به‌نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید (اعمال ۲: ۴-۵). در این ماجرا، آنچه که موجب حیرت و شگفتی نظاره‌گران شد، این بود که می‌شنیدند که این مردمان جلیلی، به زبانهای ایشان "ذکر کبریایی خدا می‌کردند" (اعمال ۲: ۱۱)؛ طبق ترجمه هزاره نو: "مدح اعمال عظیم خدا را می‌گویند". طبق آیات ۹ و ۱۰، دست‌کم مردم یهودی از ۱۳ یا ۱۴ نقطه جهان، شنیدند که پیروان عیسی، اعمال عظیم خدا را به زبان سرزمین ایشان مدح می‌کنند.

در رویداد روز پنطیکاست، یک نکته بسیار مهم وجود دارد. همانطور که در بخش عهدعتیق بیان کردیم، در روزگار عهدعتیق کسانی که عطای روح القدس را دریافت می‌کردند، به زبانها تکلم نمی‌کردند، بلکه فقط نبوت می‌کردند (یعنی عظمت خدا را تحت الهام و سلطه روح القدس بیان می‌داشتند). در روز پنطیکاست، ایمانداران به زبانهایی که نمی‌شناختند تکلم کردند و عظمت خدا را

بیان داشتند. پطرس رسول، تحت الهام روح القدس، این واقعه را (یعنی سخن گفتن به زبانها را) برابر دانست با همان نبوتی که یوئیل نبی پیشگویی کرده بود (رجوع کنید به اعمال ۲: ۱۶-۱۸). به عبارت دیگر، پطرس رسول، این پدیده نوین را (یعنی سخن گفتن به زبانها را) مترادف می دانست با نبوت کردن. زیرا ایمانداران عملاً عظمت خدا را بیان می داشتند (یعنی نبوت می کردند) اما این بار به زبانهای سایر ملل دنیا، نه فقط به زبان مردم یهود. اما در عمل، نقش تکلم به زبانها در این رویداد، همان نقش و عملکرد نبوت بود، نبوتی از همان دست که آن ۷۰ شیخ در روزگار موسی انجام دادند.

در خانه کرنیلیوس، افسر رومی

در این ماجرا (اعمال، فصل ۱۰)، افسری رومی به دنبال مشاهده رؤیایی، پطرس را به خانه خود دعوت کرد. در همان حال که پطرس مشغول بیان پیام انجیل بود، روح القدس بر این افسر "غیریهودی" و همراهان "غیریهودی" اش فرود آمد، زیرا پطرس و همراهانش دیدند که ایشان نیز "به زبانها متکلم شده، خدا را تمجید می کنند" (اعمال ۱۰: ۴۶؛ طبق ترجمه هزاره نو: "خدا را می ستایند")، یعنی درست همان اتفاقی که برای رسولان و پیروان اولیه خداوند عیسی در روز پنطیکاست رخ داده بود (اعمال ۱۰: ۴۷). در این واقعه، گفته نشده که این مردم "غیریهودی" به کدام زبانها "خدا را می ستودند"، اما از آنجا که آمده که پطرس و همراهانش "شنیدند" که ایشان به زبانها "خدا را تمجید می کنند"، طبیعی است چنین برداشت کنیم که آنان به زبانهایی سخن می گفتند که برای پطرس و همراهانش قابل درک بود، چرا که در غیراینصورت، از کجا می دانستند که ایشان مشغول "تمجید خدا" هستند و نه مشغول "شفاعت" یا "توبه و ندامت برای گناهانشان"؟!

شاگردان یحیی

مورد آخر، در اعمال ۱۹: ۱-۷ یافت می شود. در این ماجرا، پولس رسول در شهر افسس اشخاصی را یافت که شاگردان یحیی تعمیددهنده بودند. چون ایشان را به تعمید خداوند عیسی غسل تعمید داد و بر آنان دست نهاد، "روح القدس بر ایشان نازل شد و به زبانها متکلم گشته، نبوت کردند" (آیه ۶). در اینجا باز باید توجه داشت که سخن گفتن این اشخاص به زبانها در حکم "نبوت" شناخته شده، یعنی گفتاری در وصف عظمت خدا و ستایش او. پس در واقع، شنوندگان می توانستند بفهمند که این اشخاص مشغول سخن گفتن به زبانهای دیگر هستند، اما زبانهایی که ایشان می توانستند تشخیص بدهند که زبانهای بشری بوده است، در غیر اینصورت از کجا می دانستند که دارند "نبوت" می کنند!

نتیجه گیری بر اساس این سه مورد

نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که در کتاب اعمال رسولان، هر گاه ایمانداران عطای روح‌القدس را می‌یافتند (اعمال ۱۰: ۴۵)،

• به زبانهایی سخن می‌گفتند که برای خودشان بیگانه بود،
• اما این زبانها، زبانهای شناخته‌شده بشری بود، نه زبانهای ناشناخته، مثلاً زبانهای فرشتگان. آنان کلمات و عبارات تکراری و اصوات نامفهوم ادا نمی‌کردند، بلکه به زبانهای مختلف مردم دنیا خدا را ستایش و تمجید می‌کردند، طوری که نظاره‌گرانی که با این زبانها آشنا بودند، می‌توانستند آنها را تشخیص دهند و معنای گفته‌هایشان را درک کنند و بر آن شهادت بدهند؛ این زبانها با زبانهای ناشناخته‌ای که در اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ آمده، تفاوت داشت.

• درضمن، تکلم به این زبانها نشان می‌داد که ایشان واقعاً عطای روح‌القدس را دریافت داشته‌اند (می‌توان می‌گفت که به‌نوعی نشانه تعمید به روح‌القدس بود).

• همچنین، به این نکته نیز باید در حاشیه توجه داشت که در کتاب اعمال رسولان، هر بار که به تجربه تعمید روح‌القدس همراه با تکلم به زبانها اشاره شده، پای رسولان نیز در میان بوده است. البته از این نکته نمی‌توان با قطع و یقین به این نتیجه رسید که این اتفاق همیشه فقط به‌دست رسولان یا با حضور ایشان رخ می‌داده است.

لااقل تا آنجا که به کتاب اعمال رسولان مربوط می‌شود، این برداشتها صحیح به‌نظر می‌رسد.

تأیید این نتیجه‌گیری از ماجرای سامره

در همین کتاب موردی هست که این برداشتها را تأکید می‌کند. در فصل هشتم کتاب اعمال، مردم سامره پیام انجیل را پذیرفتند و غسل تعمید گرفتند. وقتی پطرس و یوحنا از اورشلیم به سامره رسیدند، بر ایمانداران دست نهادند و ایشان "روح‌القدس را یافتند" (آیه ۱۹). در میان ایمانداران، جادوگر مشهوری بود به‌نام شمعون. او از این امر چنان در حیرت بود که تصمیم گرفت با دادن رشوه‌ای به رسولان، از ایشان این قدرت را بیابد تا خودش نیز بتواند با نهادن دست بر مردم، ایشان روح‌القدس را بیابد. با توجه به حرفه جادوگری و شعبده‌بازی شمعون، می‌توان نتیجه گرفت که واقعه سخن گفتن به زبانها از سوی ایمانداران چنان پدیده حیرت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای بود که او قادر به تقلید از آن نبود. به این نکته خوب توجه بفرمایید: اگر ایمانداران به زبانهای غریب غیر بشری سخن می‌گفتند (یعنی اصوات نامفهوم) برای شمعون چقدر ساده می‌بود که عده‌ای را فراهم آورد و از آنها بخواهد که به‌محض قرار گرفتن دستهای او بر ایشان، شروع به تولید اصوات نامفهوم کنند و وانمود

کنند که دارند مانند ایماندارانِ واقعی "به زبانها" تکلم می‌کنند. اما گویا موضوع تکلم به زبانها آنقدر آشکار و قانع‌کننده بود که هیچکس نمی‌توانست آن را تقلید کند، حتی با "تولید اصوات نامفهوم" یا مانند کودکان که براحتی می‌توانند وانمود کنند که مثلاً به انگلیسی تکلم می‌کنند، کاری که اکثر ما در کودکی انجام داده‌ایم!

درضمن، باید به این نکته مهم توجه داشت که طبق این متن، گویا پولس رسول انتظار داشت که اشخاص به‌هنگام ایمان آوردن و بازگشت، روح‌القدس را با نشانه‌ای مشخص و روشن دریافت دارند.

نقش تکلم به زبانها در کتاب اعمال: کمک به توسعه انجیل

آیا تا به حال از خود پرسیده بودید که چرا کتاب اعمال رسولان این سه مورد را ذکر کرده، می‌گوید که ایمانداران آن روزگار به زبانها سخن گفتند و نبوت کردند؟ چرا لوقا با چنین صراحت و دقتی به موضوع تکلم به زبانها به‌هنگام تعمید روح‌القدس اشاره می‌کند؟ آیا هدف او، ارائه تعلیم در مورد تکلم به زبانها بود؟

پاسخ را باید در علت نگارش کتاب اعمال رسولان جستجو کرد. این کتاب با چه هدفی نوشته شد؟ با مطالعه جدی و عمیق کتاب اعمال رسولان، پی می‌بریم که لوقا طرحی مشخص را در تمام کتابش دنبال می‌کند که همانا تحقق فرمایش خداوند عیسی در ۱: ۸ می‌باشد: "لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان". و می‌بینیم که لوقا چگونه استادانه گسترش و اشاعه مسیحیت را از اورشلیم تا به خود شهر روم پی می‌گیرد. بشارت انجیل از اورشلیم تا به روم رسید. البته این یکی از علل نگارش کتاب اعمال است، علتی که به بررسی ما مربوط می‌گردد.

برای شروع بشارت و تأسیس کلیسا، خدا مقدر فرموده بود که این امر را خودش آغاز کند. از اینرو، در روز پنطیکاست کاری خارق‌العاده انجام داد. در آن روز، پیام انجیل را برای اولین بار خودش اعلام داشت، به‌وسیله زبانهای مردمانی که از سرزمینهای مختلف در اورشلیم جمع بودند. این دلیلی قاطع بود برای شنوندگان. رسولان و سایر شاگردان عیسی، قطعاً به زبانها، خدا را برای فراهم ساختن نجات به‌واسطه مسیح موعود و تفقد از اسرائیل تمجید می‌کردند و به "ذکر کبریایی خدا" پرداختند. سپس پطرس این واقعه را بر اساس یوئیل ۲: ۲۸-۲۹ تفسیر کرد و بشارت عیسی ناصری را اعلام فرمود. بدینسان کلیسا، به دست خود خدا تأسیس شد.

در واقعه دوم، در سامره، برای نخستین بار بشارت به سامریان می‌رسید، یعنی به کسانی که مورد انزجار یهودیان بودند. در اینجا نیز خدا مستقیماً با عطای روح‌القدس به گونه‌ای فوق‌طبیعی تأیید کرد که سامریان را به ملکوت خود پذیرفته است.

همین امر، در مورد بشارت به غیریهودیان نیز صادق است. پطرس رسول گرچه در رؤیا امر یافته بود که غیریهودیان را نجس نشمارد و پیام انجیل را به آنان نیز برساند، اما برای تأیید عمومی این امر، روح‌القدس را همراه با پدیده فوق‌طبیعی تکلم به زبانها عطا فرمود تا یهودیان متعصب که به مسیحیت گرویده بودند، یقین بدانند که خدا غیریهودیان را نیز به ملکوت خود پذیرفته است.

در مورد شاگردان یحیی در اعمال ۱۹: ۱-۷ نیز تکلم به زبانها دلیلی بود از سوی خدا که ثابت می‌کرد خدا نه فقط سامریان و غیریهودیان، بلکه مردمان از هر فرقه و مذهب و مرامی را به ملکوت خود می‌پذیرد. در ضمن، اعطای روح‌القدس در این واقعه به دست پولس رسول، ثابت می‌کرد که او رسولی است واقعی، در سطح سایر رسولان (ر.ش. اول قرن‌تین ۹).

و بدینسان پیام نجات مسیح به نقاط مختلف جهان آن روزگار با چنین "آیات و معجزات و انواع قوات و عطایای روح‌القدس" انتشار یافت. با دیدن نشانه‌ها و قواتی نظیر تکلم به زبانها بود که مردمان از هر نژادی به مسیح ایمان می‌آوردند و یقین می‌دانستند که این طریقت، از سوی خدا است و بشری نیست. به این شکل بود که پایه‌های کلیسا، بر شالوده‌ای استوار، یک بار برای همیشه بنا شد. تکلم به زبانها در این میان، نقشی خارق‌العاده ایفا کرد. با بررسی تک‌تک مواردی که در کتاب اعمال آمده، زبانها در این کتاب، نقش و کارکردی بشارتی دارد و هدف آن، بنای ایمانداران نبوده است.

اهمیت دیگر همراه بودن تکلم به زبانها با تعمید روح‌القدس، این است که به همگان نشان داده شود که از این پس، خدا و ملکوت او فقط متعلق به یک قوم خاص، یعنی یهودیان، نیست بلکه از آن همه مردم، از هر نژاد و قوم و قبیله‌ای است. خدا به زبان همه مردم جهان سخن می‌گوید.

بعد از عهد رسولان، در طول تاریخ

طبق شهادت نوشته‌های پدران کلیسا و تاریخ کلیسا، تجربه تکلم به زبانها بعد از دوره رسولان به تدریج کاهش یافت و کمیاب شد. یکی از پدران کلیسا در قرن دوم، با اندوه اظهار می‌دارد که این عطا چقدر کمیاب شده است. خود این امر حاکی از آن است که در عهد رسولان و نیز در قرون اولیه مسیحیت، اعتقاد بر این بوده که تکلم به زبانها "به‌هنگام تعمید روح‌القدس" پدیده‌ای فوق‌طبیعی است که خدا باید آن را عطا کند، نه آنکه شخص با اصرار و تلاش، در پی کسب آن باشد.

جای هیچ گونه تردیدی نیست که بعد از دوره عهدجدید، در تمام طول تاریخ، کسانی بوده‌اند که به‌هنگام تعمید روح‌القدس، به زبانها تکلم کرده‌اند. عده‌ای دیگری نیز بوده‌اند که نشانه‌های دیگری را بروز داده‌اند، نظیر احساس شادی زائدالوصف، خنده، گریه، احساس خاص حضور خدا، و غیره. اما تکلم به زبانها به‌عنوان نشانه تعمید به روح‌القدس، به‌طور خاص از اوائل قرن بیستم رواج عمومی یافت.

زبانها در اول قرن‌تین ۱۲-۱۴

اینک نوبت آن رسیده است که مسأله زبانها را در اول قرن‌تین فصل‌های ۱۲-۱۴ مورد بررسی قرار دهیم. این بخش، در کنار اعمال رسولان، یگانه بخشی است که مستقیماً به موضوع زبانها می‌پردازد. اما همانگونه که قبلاً بارها اشاره کردیم، در این بخش، مسأله زبانها، نه به‌عنوان نشانه تعمید به روح‌القدس، بلکه به‌عنوان "یکی از عطا‌های روح‌القدس" مطرح است، عطا‌هایی که باید طلبید و روح‌القدس آنها را بر حسب صلاح‌دید خود میان ایمانداران توزیع می‌کند (اول قرن‌تین ۱۲: ۷، ۱۱؛ عبرانیان ۲: ۴).

خلاصه‌ای از این سه فصل

پولس رسول رساله اول به قرن‌تین را در پاسخ به برخی از سؤالاتی که مسیحیان قرن‌تس طی نامه‌ای مطرح کرده بودند، و نیز با شنیدن گزارشی که آورندگان نامه به او داده بودند، نوشت. او در فصل‌های ۱۲-۱۴ به یکی از مشکلات موجود در کلیسای قرن‌تس می‌پردازد و به آن پاسخ می‌دهد. گویا مشکل کلیسای قرن‌تس این بوده که برای عطا‌ی تکلم به زبانها بیش از حد لازم اهمیت قائل بودند و فقط آنانی را روحانی می‌شمردند که از این عطا برخوردار باشند.

در پاسخ، پولس نخست شرح می‌دهد که:

● (۱۲: ۱-۱۲) همه عطاها از روح‌القدس است؛ عطا‌های مختلفی وجود دارد که چند مورد از آنها را نام می‌برد (۱۲: ۱-۱۲):

● (۱۲: ۱۳-۲۷) کلیسا همچون بدن است که اعضای مختلف دارد. در کلیسا نیز هر عضوی عطایی خاص از روح‌القدس دارد؛ همانطور که هیچ عضوی در بدن نمی‌تواند به اعضای دیگر بی‌نیاز باشد، در کلیسا نیز هیچ عضوی نمی‌تواند بگوید که به عطای عضوی دیگر نیاز ندارد؛

● (۱۲: ۲۸-۳۰) همه از یک عطای واحد برخوردار نیستند؛ پولس به چند عطای دیگر اشاره می‌کند و می‌فرماید که برای مثال، همه رسول نیستند، همه معلم نیستند، و همه عطای زبانها را ندارند؛ هر کس عطای خاصی دارد؛

● (۱۳: ۱-۷) اما با وجود همه این عطاها، طریق برتری وجود دارد (۱۲: ۳۱)؛ این طریق برتر، همانا محبت است؛

● (۱۳: ۸-۱۳) همه عطاها در آن روز که "کامل" ظاهر شود، متوقف خواهد شد؛ آنچه باقی می‌ماند، محبت است و ایمان و امید؛ در مقابل اینها، عطاها اموری بچگانه می‌نمایند؛

● (۱۴: ۱-۲۵) اما اگر علی‌رغم همه اینها، مسیحیان قرن‌تس برای عطاهای روحانی چنین غیرتی دارند، لازم است آنها عطاهایی را بطلبند که باعث بنای کل کلیسا می‌شود (مانند نبوت و ترجمه زبانها)، نه عطایی همچون تکلم به زبانها که فقط باعث بنای شخصی است و حضار در کلیسا قادر به درک آن نیستند؛ اگر ایشان در فهم، بالغ بودند، خودشان این امر را تشخیص می‌دادند؛

● (۱۴: ۲۶-۳۳ و ۳۹-۴۰) نهایت امر این است که در کلیسا همه عطاها باید با نظم و ترتیب و شایستگی به کار رود؛ افراد باید عطای خود را کنترل کنند تا نبوت به همه برسد؛ خصوصاً اگر کسی به زبانی سخن می‌گوید، اگر ترجمه نمی‌شود، شخص باید سکوت اختیار کند.

نتایج حاصل از این سه فصل

- زبانهای مورد اشاره در این سه فصل، با زبانهای مذکور در اعمال رسولان فرق دارد؛ این زبانها عطایی همدریف عطاهای نبوت و شفا و معجزات و مکاشفه و غیره است که نه به‌عنوان نشانه، بلکه برای بنای ایمانداران دیگر (یعنی کلیسا) از سوی روح‌القدس و طبق اراده او عطا می‌شوند؛ درضمن قابل درک نیز نیستند (۱۲: ۷-۱۱؛ ۱۳: ۱-۲؛ ۱۴: ۲-۵، ۱۳، ۱۶-۱۹، ۲۸)؛

- زبانها فقط و فقط یکی از عطاها است، نه مهم‌ترین آنها (۱۲: ۱-۲۷)؛

- نباید در مورد اهمیت زبانها افراط کرد (۱۴: ۵-۲۵)؛ همه عطاها مورد نیاز کلیسا است (۱۲: ۱۴-۲۷)؛

- عطاهای فوق‌طبیعی روح‌القدس بسیار است و محدود به نه عطای مذکور در ۱۲: ۸-۱۰ نیست؛ در ۱۲: ۲۸ و ۱۴: ۲۷ و نیز در رومیان ۱۲: ۴-۸ نام عطاهای بیشتری را می‌یابیم؛

- عطاها را روح‌القدس طبق صلاح‌دید خود، برای بنای کلیسا عطا می‌کند (۱۲: ۷، ۱۱، ۱۸)؛

- هدف از همه عطاها این است که کلیسا بنا شود (۱۲: ۷، ۱۱، ۱۴-۲۷؛ ۱۴: ۵-۶، ۱۲، ۱۹، ۲۶)، نه آنکه شخصی که عطا را دارد، شاد شود یا احساس برکت یا روحانی بودن کند، یا احیاناً فخرفروشی کند و

مغرور شود؛ یا آن را برای برگزاری نمایش در جلسات به کار ببرد.

- در کلیسای قرنتس، همه به زبانها سخن نمی گفتند (۱۲: ۲۸-۳۰)؛

- زبانها فقط باعث بنای فرد است نه کلیسا (۱۴: ۲-۶)؛

- در جلسات کلیسایی، اگر کسی به زبانها سخن گوید ولی خودش یا شخص دیگری نتواند آنها را ترجمه کند، او باید سکوت اختیار کند و "با خود و با خدا سخن گوید" (۱۴: ۲-۶؛ ۲۸)؛

- افراط در توجه به عطاهاى فوق طبيعى روح القدس گویا عملی است طفلانه! (۱۳: ۱۱-۱۲)؛ به جای آن بهتر است بر محبت تأکید کرد (۱۳: ۱-۱۱ و ۱۳)؛

- در کلیسای قرنتس، به هنگام کاربرد زبانها، بی نظمی و هرج و مرج به وجود می آمد. اما کاربرد همه عطاها باید با نظم و شایستگی باشد و باعث اغتشاش در جمع ایمانداران نگردد؛ به این منظور، ایمانداران باید عطای خود را کنترل کنند (۱۴: ۳۲-۳۳ و ۴۰).

مسیحیت اولیه، جامعه‌ای کریزماتیک

از اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ و بخشهای مختلف عهدجدید می‌توان این برداشت را کرد که مسیحیت نخستین، جامعه‌ای کریزماتیک بوده است. در این جامعه، انواع مختلف عطاهاى روحانى مشاهده می‌شد، عطاهاى نظیر معجزات، شفاهای، قوت، نبوت، تکلم به زبانها، و سایر عطاهاى فوق‌طبیعه روح‌القدس. این عطاها را می‌بایست به غیرت طلبید (اول قرن‌تین ۱۴: ۱). تکلم به زبانها صرفاً یکی از عطاهاى مختلف بود، نه یگانه عطا.

گرچه می‌بایست برای این عطاها دعا کرد و آنها را طلبید، اما این بر روح‌القدس بود که طبق خواست و صلاح دید خود آنها را به هر کس عطا فرماید (اول قرن‌تین ۱۲: ۷، ۱۱، ۲۹-۳۰؛ عبرانیان ۲: ۴).

تکلم به زبانها در روزگار ما

آیا امروز نیز تعمید به روح القدس باید با تکلم به زبانها همراه باشد؟

چرا که نه؟ اما به شرط اینکه شرایط مندرج در کتاب اعمال رسولان که مورد بررسی قرار دادیم، مشاهده شود، یعنی اینکه:

- آن را خدا عطا کند، بدون اینکه شخص ایماندار با زور و استغاثه و رنج، در پی آن بکوشد؛ باز تکرار می‌کنیم، اگر موضوع تکلم به زبانها قرار است "نشانه تعمید به روح القدس" باشد، نیازی نیست که ایماندار آن را بطلبد. اگر ایماندار در طلب تکلم به زبانها، دست به دعا و اصرار بزند، آنچه که شاید دریافت دارد، "عطای تکلم به زبانها" خواهد بود، نه تعمید روح القدس. پس اگر خدا امروز با کسی چنین رفتار کرد و تعمید روح القدس او را به تکلم به زبانها همراه ساخت، طبعاً باید بسیار شکرگزار بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که تعلیم واعظان اوائل قرن بیستم و روزگار ما مبنی بر اینکه باید این عطا را با دعا و استغاثه "دریافت داشت"، مطلقاً مطابق کتاب اعمال رسولان نیست.

- شخص به زبانهای بشری که لااقل برای بعضی از حضار قابل درک باشد، سخن گوید؛

- تکلم به زبانها، هدف مشخصی را تحقق بخشد، مانند اهدافی که در کتاب اعمال رسولان محسوس است. خدا روح القدس و تکلم به زبانها را برای تفریح یا نشاط روحانی ما عطا نمی‌کند. هر کار خدا هدفی دارد. امروزه، هدف از تکلم به زبانها به‌هنگام تعمید به روح القدس چیست؟ هرگاه خدا ببیند که از این امر، نتیجه‌ای مثبت برای ملکوتش حاصل می‌شود، یقیناً آن را عطا می‌کند، کما اینکه در مواردی نادر، امروزه نیز این کار را می‌کند. اما در اکثریت موارد، زبانهایی که مسیحیان امروز به آن تکلم می‌کنند، زبانهای اعمال رسولان نیست. شاید در بهترین حالت، زبانهایی مشابه با اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ باشد که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

نتیجه آنکه امروز نیز چنانچه خدا بخواهد و خدا عطا کند، ایمانداران نیز می‌توانند به‌هنگام به تعمید روح القدس به زبانها سخن گویند. در غیر اینصورت، هر ایماندار به‌هنگام توبه و ایمان، یا به‌هنگام غسل تعمید و دستگذاری از سوی کشیشان و خادمان کلیسا، تعمید به روح القدس را دریافت می‌کند و روح القدس در زندگی او ساکن شده، او را به جمیع راستی هدایت می‌کند (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۸، ۲۶؛ ۱۶: ۷-۱۵؛ رومیان ۸: ۱-۱۷؛ غلاطیان ۵: ۱۶-۲۵). در این زمینه، در بخشی دیگر سخن خواهیم گفت. تمامی فرقه‌ها و کلیساهای مسیحی در این زمینه اتفاق نظر دارند.

درس کتاب اعمال برای امروز ما

آیا مطابق کتاب اعمال، تعمید به روح القدس باید همیشه با این نشانه تکلم به زبانها همراه باشد؟ کتاب اعمال رسولان شهادت می دهد که در آن روزگار اینچنین بوده است؛ اما فقط "شهادت" می دهد (یعنی می گوید که "آنها" چنین کردند)، ولیکن حکمی در این مورد صادر نمی کند. در هیچ جای کتاب مقدس و خصوصاً اعمال رسولان، تصریح نشده که تعمید به روح القدس باید حتماً با چنین نشانه هایی همراه باشد. مفسران معمولاً به این اصل اعتقاد دارند که مسائلی که در کتاب مقدس در موردشان فقط شهادت داده شده، می توانند فقط به عنوان الگو به کار روند (مثلاً رسم غسل تعمید به روش غوطه ور شدن)، نه به عنوان حکم و قاعده. به عبارت فنی تر، الگو ارائه می دهد، نه هنجار. پس آیا می توان امروزه به مسیحیان حکم کرد که حتماً باید به هنگام تعمید به روح القدس، به زبانها سخن گویند؟

پاسخ این سؤال را نمی توان از کتاب مقدس داد. لذا باید متوسل به نوشته های پدران کلیسا و تاریخ مسیحیت قرون اولیه گردید. هیچ مسیحی آگاهی نمی تواند پدران اولیه کلیسا (دست کم تا قرن ۴ یا ۵) را فاقد ایمان اصیل تلقی کند و بگوید که ایشان ایمان و محبت نخستین را ترک کرده بودند. همه فرقه های مسیحی، اصول اعتقادات سیستماتیک و الهیات خود را مدیون این پدران می دانند. طبق شهادت این پدران، تکلم به زبانها از عهد رسولان به بعد فروکش کرد و جز در مواردی نادر مشاهده نمی شد. ایشان نیز تلاش و کوششی برای "کسب" آن نمی کردند چون یقیناً معتقد به این بودند که این عطا را خدا باید بدهد، نه آنکه خودشان به زور آن را کسب کنند. اما ایشان وجود آن را در روزگار خود یکسره منکر نشده اند و گزارش کرده اند که در مواردی نادر، اشخاصی به زبانها سخن گفته یا نبوت کرده اند. در قرون بعدی نیز گزارش شده که افراد، به هنگام تقرب به خدا و پر شدن از روح القدس، نشانه های دیگری از خود بروز داده اند، نظیر سرازیر شدن غیر ارادی اشک، گریه، خنده، احساس شادی فوق طبیعی، و غیره.

در نتیجه، نگارنده در نهایت فروتنی معتقد است که تعمید روح القدس همراه با نشانه زبانها، پدیده ای است کتاب مقدسی، اما با توجه به واقعیت های تاریخ کلیسا، نباید امروز پافشاری کرد که همگان حتماً به این شکل تعمید روح القدس را بیابند. باید حقایق کتاب مقدس و واقعیت های تاریخ کلیسا را به ایمانداران تعلیم داد، اما نحوه رخداد این امر را بهتر است به خدا سپرد. معلمان و واعظان امروز باید به نوایمانان در باره اهمیت نقش روح القدس در زندگی ایماندار تعلیم بدهند، اما نباید در خصوص دریافت "نشانه" آن متوسل به راههای غیر کتاب مقدسی شوند.

نگارنده این مقاله، ایماندارانی را می‌شناسد که وقتی روح‌القدس بر ایشان فرو ریخت، آزادانه و بدون فشار، هم به زبانها سخن گفتند و هم نبوت کردند و هم آیات عجیبی برایشان رخ داد. خود نگارنده نیز از همین تجربه، به‌گونه‌ای فوق‌طبیعی و خارق‌العاده برخوردار شد. بااینحال، اعتقاد ندارد که در این مورد باید ایمانداران را تحت فشار قرار داد. اگر خدا کسی را به‌هنگام توبه و بازگشت، یا به‌هنگام غسل تعمید، یا بعداً به‌هنگام دعا، با چنین تجربه‌ای سرافراز کرد، باید خدا را جلال داد. اما باز تکرار می‌کنیم، نباید متوسل به راههای غیر کتاب‌مقدسی شد.

توسل به راههای غیر کتاب‌مقدسی

اما این راههای غیر کتاب‌مقدسی کدامها هستند؟ همه ما نظایر آن را دیده‌ایم یا خودمان تجربه کرده‌ایم. یکی از آنها، دستگذاری و فشار و داد و فریاد و قیل و قال واعظان یا خادمان بر شخصی است که قرار است تعمید روح‌القدس را بیابد. این روش را مقایسه کنید با روش آرام و موقر و مطمئن رسولان در سامره (اعمال ۸)، و در افسس (اعمال ۱۹: ۱-۷).

روش دیگر، تحت فشار قرار دادن ایماندار است با گفتن جملاتی نظیر این: "خود را آزاد بگذار!"؛ "زبانت را آزاد بگذار!"؛ "آهان، آهان، آمد، آمد، بگو، آزاد باش...!"؛ "هر کلمه‌ای که به زبانت می‌آید بگو؛ نترس..."

و متأسفانه بسیاری دیگر، گام به قلمرو کفرگویی گذاشته، جسارت کرده، به ایماندار می‌گویند: "آهان، هر چه من می‌گویم، تو هم تکرار کن؛ آهان، همین است، گرفتی، هلولیاه!" و بعد، شروع به تکلم به زبانها کرده، از ایماندار می‌خواهند همان کلمات را تکرار کنند. شگفتا از این همه گستاخی و عوام‌فریبی! همانطور که گفتیم، این کار کفر است. واعظ گستاخی را به حدی می‌رساند که کاری را که خداوند روح‌القدس باید انجام دهد، خودش انجام می‌دهد. خداوند ببخشایدشان. نظایر این امر را بسیاری از ما به چشم دیده‌ایم.

همچنین، برخی از ایمانداران، تحت فشار واعظ و سایر ایماندارانی که برای او دعا می‌کنند، و نیز با شنیدن کلماتی که دیگران به زبانها می‌گویند، کلمه‌ای بی‌معنی بر زبان می‌آورند. دیگران با شنیدن این کلمه، فریاد شادی بر می‌آورند که توانسته‌اند او را نیز تعمید روح‌القدس "بدهند!" اما همین ایماندار، بعد از مدتی، سرخورده، به افراد مورد اعتماد خود اعتراف می‌کند که مطمئن نیست آنچه که بر زبان آورده، از روح‌القدس بوده یا از خودش. آیا این است آن موهبتی که خدا در اعمال ۲: ۲۸ وعده فرموده است؟

زبانها به عنوان یکی از عطا‌های روح القدس

در روزگار ما، عده بسیاری هستند که به گونه‌ای اصیل به زبانها سخن می‌گویند. نویسنده، بر طبق موازین کتاب اعمال و مندرجات اول قرن‌تین فصل‌های ۱۲ و ۱۴، معتقد است که این زبانها، بیشتر عطای زبانها هستند تا نشانه تعمیم به روح القدس، مگر آنکه آن را بدون دعا و استغاثه و طلبیدن، آزادانه از خدا دریافت داشته باشند.

و طبق اصول اول قرن‌تین ۱۲ و ۱۴، تکلم به زبانها، فقط و فقط یکی از عطا‌های مختلف روح القدس است، نه مهم‌ترین آنها. چنین کسی، مطابق اول قرن‌تین ۱۲: ۱۴-۲۷، اجازه ندارد خود را برتر از دیگران بشمارد یا دیگران را متهم کند به اینکه "روح القدس را ندارند!"

تظاهر به تکلم به زبانها

اما جای تأسف است که بگوییم تعداد زیادی از کسانی که امروزه به زبانها تکلم می‌کنند، تظاهر به این امر می‌کنند. برخی از این افراد، در اثر فشار اطرافیان، کلماتی بر زبان می‌آورند و تصور می‌کنند که تعمیم روح القدس یا عطای زبانها را دریافت داشته‌اند. عده‌ای دیگر، تحت تأثیرات روانی محیط قرار می‌گیرند و کلماتی بیان می‌دارند. بعضی دیگر نیز با تکرار کلماتی که واعظ به آنها دیکته می‌کنند، کلماتی بر زبان می‌آورند.

روشهای نادرست و افراطی در کاربرد زبانها

تأکیدی نابجا و افراطی بر زبانها

زبانها، چه در حالت نشانه تعمیم به روح القدس و چه در حالت عطای زبانها، جایگاه مشخصی در عهدجدید دارد. اما متأسفانه امروزه در محافل پنطیکاستی و کریزماتیک، چنان تأکیدی بر این موضوع گذاشته می‌شود که ایماندارانی که از تعالیم کتاب مقدس اطلاع ندارند، تصور می‌کنند که تکلم به زبانها یکی از مهم‌ترین مسائل روحانی است. غافل از اینکه، خارج از کتاب اعمال (که در آن فقط و فقط ۳ بار به این امر اشاره شده، آن هم به صورت گزارش)، فقط در اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ به این مساله اشاره شده، و تازه در آنجا، پولس با حالتی منفی در باره زبانها سخن می‌گوید و مسیحیان را از افراط در این امر برحذر می‌دارد و محدودیت‌هایی برای کاربرد آنها به کار می‌برد.

کلیساهای پنطیکاستی و کریزماتیک بر این باورند که پولس رسول در اول قرن‌تین ۱۲ و ۱۴ در مورد زبانها تعلیم می‌دهد. در حالیکه اگر با اندکی دقت این فصل‌ها را بخوانیم، خصوصاً اگر این دو

فصل را همراه با فصل ۱۳ بخوانیم، متوجه می‌شویم که رهنمودهای پولس رسول دقیقاً معطوف به ایجاد تعدیل و محدودیت در کاربرد عطاها، خصوصاً کاربرد منطقی و متعادل عطای زبانها می‌باشد. لحن پولس در این سه فصل، به هیچ وجه مشوق کاربرد زبانها به گونه‌ای که امروز متداول است، نمی‌باشد.

زبانها به جای خداوند روح القدس

امروزه موضوع زبانها چنان بزرگ نشان داده می‌شود که به محض آنکه نام مقدس روح القدس می‌آید، ایمانداران ناخودآگاه، به یاد تکلم به زبانها می‌افتند. این واعظان و معلمان چنان تعلیم می‌دهند که گویی نقش روح القدس در زندگی ایمانداران، طبق کلام خدا، فقط محدود می‌شود به تکلم به زبانها و یکی دو عطای فوق طبیعی دیگر. گویی تمام کار روح القدس خلاصه می‌شود در زبانها و عطاها، فوق طبیعی. صد افسوس! نگارنده با نهایت اطمینان می‌تواند بگوید که این یکی از حربه‌های نیرومند شیطان است برای آنکه توجه ایمانداران را از قدرت واقعی روح القدس و کار عظیمی که او در زندگی ایشان می‌تواند انجام دهد، منحرف سازد.

قائل شدن قدرت جادویی برای زبانها

گاه نیز چنان در مورد اهمیت زبانها تعلیم داده می‌شود که گویی در خود پدیده تکلم به زبانها قدرتی جادویی و سحرآمیز نهفته است. طوری صحبت می‌شود که گویی خود زبانها عامل قدرت است، نه روح القدس.

تازه، مشخص نیست که قائل شدن چنین قدرتی برای زبانها بر اساس کدام آیات است. از دو بخشی که در عهدجدید از زبانها سخن رفته است (یعنی کتاب اعمال و اول قرن‌تین ۱۲ و ۱۴)، هیچیک از تأکیدات امروزی در مورد "قدرت" زبانها را نمی‌توان نتیجه گرفت.

زبانها به عنوان دروازه‌ای بسوی عطاها دیگر

عده‌ای نیز تعلیم می‌دهند که تکلم به زبانها، دروازه‌ای است به روی سایر عطاها. اگر کسی چنین ادعایی کرد، حتماً از او بخواهید تا محل آیاتی را که چنین تعلیمی در آن نهفته است، نشان دهد. عطای تکلم به زبانها فقط یکی از عطاها است. در کتاب مقدس، سایر عطاها، نظیر نبوت یا معجزات یا شفا، به عطای زبانها مربوط و وابسته نشده‌اند.

تکلم به زبانها با صدای بلند در جلسات عمومی

پولس رسول، در اول قرن‌تین ۱۴: ۶-۲۶ تعلیم می‌دهد که تکلم به زبانها در جمع، در صورتیکه ترجمه نشود، نه فقط به کسی نفع نمی‌رساند، بلکه حتی ممکن است باعث لغزش بی‌ایمانان گردد. از اینرو، در آیات ۲۷-۲۸، این دستورالعمل را می‌دهد که اگر ایمان‌داری در جلسه عمومی به زبانها سخن گوید و کسی نباشد که این زبانها را ترجمه کند، "باید خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید." اما با نهایت حیرت می‌بینیم که امروزه در جلسات عمومی و جلسات تلویزیونی، افراد با صدای بلند، و گویا تعمداً، و مسلسل‌وار به زبانها سخن می‌گویند بدون آنکه به دستورالعمل مشخص پولس در این زمینه توجهی داشته باشند. کجای این کار مطابق کلام خدا است؟

مزاح کردن به زبانها!

اخیراً دو واعظ به اصطلاح برجسته و شهیر، در یکی از برنامه‌های تلویزیونی خود، با یکدیگر "به زبانها" مزاح می‌کردند و به قول معروف، جوک می‌گفتند و بعد قاه قاه می‌خندیدند. اگر عطاکننده زبانها، خداوند روح القدس است، آیا چنین است عملکرد مقدس روح القدس؟ کجای این کار مطابق کلام خدا است؟

سرود گروهی به زبانها

پدیده دیگری که در یکی دو دهه اخیر باب شده، این است که واعظ یا رهبر پرستش، از جماعت می‌خواهد که فلان سرود را "به زبانها" بسرایند. لذا نوازندگان شروع به نواختن آهنگ مربوط به آن سرود می‌کنند، و جماعت هر یک به زبانی متفاوت، شروع به سرودن آن سرود می‌کنند. هرج و مرجی را که از این امر حاصل می‌شود، می‌توانید به راحتی تجسم کنید. آیا این کار درست برخلاف تعلیم پولس رسول در اول قرن‌تین ۱۴ نیست؟ کجای این کار مطابق کلام خدا است؟

نهیب دادن شیطان و ارواح پلید به زبانها

این نیز باب شده که واعظ و جماعت، با تکلم به زبانها، شیطان یا روح‌های پلید را نهیب می‌دهند. دفعه آینده که شاهد چنین صحنه‌ای بودید، لطفاً از واعظ سؤال کنید که این کار را مطابق با کدام آیه انجام می‌دهد. پولس رسول می‌فرماید: "کسی که به زبانی سخن می‌گوید، نه به مردم، بلکه به خدا می‌گوید. زیرا هیچکس نمی‌فهمد، لیکن در روح به اسرار تکلم می‌نماید... هر که به زبانی

می‌گوید، خود را بنا می‌کند" (اول قرن‌تین ۲ و ۴). در هیچ جای عهدجدید نیامده که می‌توان شیطان و ارواحش را با زبانها نهیب داد. کجای این کار مطابق کلام خدا است؟

دعا یا شفاعت به زبانها

یکی دیگر از روشهای ابداعی این نهضت‌ها، این تعلیم است که می‌توان به زبانها، از خدا چیزی طلبید یا برای کسی دعا کرد. باز به استناد آیات بالا، باید گفت که در هیچ جای کتاب‌مقدس، چنین تعلیمی داده نشده است.

حتماً بسیار حیرت خواهید کرد که بشنوید که این واعظان، تمام این تعالیم را بر "احساسات" و/یا "تجربیات؟ خود بنا کرده‌اند، بدون اینکه هیچ اساسی در کتاب‌مقدس داشته باشند. کجای این کار مطابق کلام خدا است؟

زبانها، وسیله‌ای نمایشی!

با نهایت اندوه، مشاهده می‌کنیم که در روزگار ما، تکلم به زبانها وسیله‌ای شده برای نمایش، نمایش قدرت، نمایش امور خارق‌العاده برای جلب مردم، نمایش برتری بر سایر ایمانداران، و نمایشهای مختلف دیگر. کجای این کار مطابق کلام خدا است؟

کجا رفت آن شعار والای مذهب پروتستان؟

و همه اینها در حالی است که تمام مروجین چنین عقایدی، خود را پروتستان قلمداد می‌کنند، یعنی مذهبی که شعارش از همان آغاز این بود: "فقط کتاب‌مقدس!" بنیانگذاران مذهب پروتستان تمام تلاششان این بود که اعتقادات مسیحیت را مطبق سازند با مندرجات صرف کتاب‌مقدس. باید از این معلمین و مروجین پرسید که تمام این کارها را بر اساس کدام آیات انجام می‌دهند. اما کاش که کارهای اینان فقط مربوط به مسأله زبانها می‌شد. در مقالات دیگر، به افراطها و انحرافات بیشتری از این دست خواهیم پرداخت. باید از ایشان پرسید: "کجا رفت شعار مذهب پروتستان؟"

چند نکته کلی

اگر زبانها اینقدر مهم بود...

اکنون دیگر برای خوانندگان گرامی مشخص است که در تمام کتاب مقدس، بجز ۳ مورد در کتاب اعمال، و اشارات اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ (که آن نیز حالت منفی و جنبه محدودکننده دارد)، در هیچ جای دیگری به موضوع زبانها اشاره نشده است.

راستی آیا از خودتان نمی‌پرسید که اگر زبانها "اینقدر" مهم بود که این نهضت‌ها ادعا می‌کنند، چرا در مورد آن تعلیم بیشتری داده نشده است؟ چرا در باره توبه، ایمان، غسل تعمید، ضرورت زندگی مقدس، کار تقدیس‌کننده روح‌القدس، بازگشت مسیح، و روز داوری اینقدر تأکید شده، اما جز این اشارات تقریباً غیرمستقیم، هیچ تعلیم دیگری در مورد زبانها در کتاب مقدس دیده نمی‌شود؟ اگر زبانها اینقدر مهم بود، آیا خدا آن را در کلامش مکشوف نمی‌کرد؟ همه ایمانداران واقعی، تعمید روح‌القدس را دارند

محال است که کسی به مسیح ایمان آورد و او را "خداوند" زندگی خودش بسازد، بدون اینکه روح‌القدس در او ساکن باشد (اول قرن‌تین ۱۲: ۳). باید به این فرمایش سرورمان ایمان داشته باشیم که فرمود: "و من از پدر خواهم خواست و او مدافعی دیگر به شما خواهد داد که همیشه با شما باشد، یعنی روح راستی... (او) نزد شما مسکن می‌گزیند و در شما خواهد بود" (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷، ترجمه هزاره نو). پطرس رسول نیز این نکته را اینچنین بیان داشت: "او (یعنی خداوند عیسی) به دست راست خدا بالا برده شد و از پدر، روح‌القدس موعود را دریافت کرده، این را که اکنون می‌بینید و می‌شنوید، فرو ریخته است" (اعمال ۲: ۳۳، هزاره نو). پولس، این رسول برگزیده خداوند نیز مفهوم سکونت روح‌القدس در ایمانداران را اینچنین بیان می‌دارد: "اما شما نه در سیطره نفس، بلکه در سیطره روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، او از آن مسیح نیست... پس ای برادران، ما مدیونیم، اما نه به نفس، تا بر طبق آن زندگی کنیم. زیرا اگر بر طبق نفس زندگی کنید، خواهید مرد؛ اما اگر به واسطه روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست. زیرا آنان که به وسیله روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدایند... و روح، خود با ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خداییم" (رومیان ۸: ۹، ۱۲-۱۶، هزاره نو؛ همچنین ر.ش. غلاطیان ۵: ۱۶-۲۵).

مقصود چیست؟ مقصود این است که بدون حضور و پری و سلطه روح‌القدس در زندگی خود، اساساً نمی‌توان مسیحی بود و مسیحی زندگی کرد. این همان وعده‌ای است که از آغاز ماجرا، از زبان یحیی و بعد خود خداوند عیسی داده شد. پس کسی اجازه ندارد بر دیگری حکم کرده، بگوید که

"تو روح القدس را نداری"، صرفاً به این علت که آن شخص به زبانها سخن نگفته است. هر کسی که "در مسیح زندگی می کند"، قطعاً از روح القدس پر است.

تعمید به روح القدس در انجیل یوحنا

یک نکته مهم را نباید فراموش کنیم. خداوند عیسی، در روز یکشنبه وقتی قیام فرمود، شب هنگام بر رسولان ظاهر شد و با ایشان گفتگو کرد. یوحنا می فرماید: "چون این را گفت، دمید و به ایشان گفت روح القدس را بیابید" (یوحنا ۲۰: ۲۲). در یوحنا ۷: ۳۷-۳۹ عیسی از قبل، وعده روح القدس را به تشنگان داده بود، اما چون هنوز جلال نیافته بود (قیام نفرموده بود)، روح القدس عطا نشده بود (همچنین یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۱۶: ۷). یوحنا، مانند سایر نویسندگان عهدجدید، کتاب خود را مستقل از سایر کتاب های عهدجدید نوشت و قصدش این نبود که سایر کتاب های عهدجدید را تکمیل کند، یا سایر کتاب ها کتاب او را تکمیل کنند. از اینرو، اشاره یوحنا به اینکه عیسی به رسولان دمید تا روح القدس را بیابند، نشان می دهد که او این رویداد را به منزله تحقق همان وعده یحیی به شمار می آورد، مبنی بر اینکه مسیح موعود مردمان را به روح القدس تعمیم خواهد داد (یوحنا ۱: ۳۳). یوحنا به هنگام نوشتن انجیل خود، در این اندیشه نبود که لوقا در کتاب اعمال رسولان به واقعه تکلم به زبانها اشاره کرده است. او انجیل خود را مستقل از کتاب اعمال رسولان می نوشت. در نظر یوحنا رسول، این دمیدن، همان تعمیم روح القدس بود. در این ملاقات عیسی با رسولان در یکشنبه شب بعد از قیام، رسولان به زبانها سخن نگفتند.

اما همانطور که اشاره رفت، هر جا که خدا تشخیص دهد که تعمیم روح القدس ایماندارانی باید با نشانه ای محسوس همراه باشد، خودش این کار را به انجام خواهد رساند. نیازی نیست ما به جای او عمل کنیم. او خودش به اندازه کافی قدرت دارد!

پری روح القدس امری است هرروزه

رسولان و مسیحیان اولیه فقط "یک بار" از روح القدس پر نشدند. ایشان به دفعات از روح القدس پر شدند، هر گاه که خدا ضروری می دید. برای مثال، به این نمونه ها مراجعه کنید: اعمال ۴: ۳۱؛ ۷: ۵۵؛ ۱۳: ۹.

درضمن، مسیحیان غیور عهد رسولان، دائماً "پر از روح القدس بودند" (اعمال ۶: ۳، ۵). پولس رسول به مسیحیان حکم می کند که "در روح" زندگی کنند (رومیان ۸: ۱-۱۷؛ غلاطیان ۵: ۱۶-۲۵)، و دائماً از روح القدس پر باشند (افسیسیان ۵: ۱۸).

تکریم و حرمتی شایسته برای روح القدس

بگذاریم روح القدس، مسیح را جلال دهد

خداوند ما عیسی مسیح در مورد روح القدس فرمود: "... از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است، خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد" (یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۴). روح القدس، شخص سوم از تثلیث مقدس به این جهت می آید تا مسیح را جلال دهد، همانگونه که مسیح نیز آمد تا پدر را جلال دهد (یوحنا ۱۷: ۴). اگر خواهان آنیم که روح القدس هدف خود را در زندگی ما عملی سازد، باید بگذاریم از طریق ما، پسر خدا را جلال دهد، و چون پسر جلال یابد، پدر جلال خواهد یافت که مبارک است تا ابدالابد.

روح القدس را پدر و پسر افاضه نمی کنند تا خود را جلال دهد و بر خود شهادت دهد، بلکه تا بر مسیح شهادت دهد (یوحنا ۱۵: ۲۶). و او ما را قوت خواهد بخشید و دگرگون خواهد ساخت تا ما نیز بر مسیح شهادت دهیم (یوحنا ۱۵: ۲۷ و اعمال ۱: ۸). لذا باید بسیار مراقب باشیم که این ترتیب الهی را بر هم نزنیم. باید مراقب باشیم که به کمک روح القدس، پسر خدا را جلال دهیم، تا از طریق جلال یافتن او، خدای پدر جلال یابد.

عنان زندگی خود را به روح القدس بسپاریم

اگر مشتاق آنیم که روح القدس را به گونه ای شایسته، تکریم و حرمت نماییم، باید بیش از هر چیز اجازه دهیم که او عنان زندگی ما را به طور کامل به دست گیرد و شخصیت مسیح گونه و چهره او را در ما حک کند (غلاطیان ۴: ۱۹). بیایید روح القدس را محدود به زبانها نکنیم. نه او و نه کار مقدسش منحصر به این پدیده ای نمی شود که پولس رسول آن را پایان پذیر، جزئی، ناکامل، و طفلانه می خواند (اول قرنتیان ۱۳: ۸-۱۲).

بگذاریم ما را تقدیس کند

بیایید به روح القدس اجازه دهیم کاری را در ما انجام دهد که از همان ابتدای موعظه به ملکوت خدا، در موردش وعده داده شده است. یحیی فرمود: "او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد" (متی ۳: ۱۱). کار اصلی روح القدس در مسیحیت، این است که همچون آتشی که ناخالصی ها را از میان می برد، زندگی ایمانداران را تصفیه و پاک سازد. پولس رسول در این زمینه

می‌فرماید: "بعضی از شما چنین می‌بودید، لکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل کرده شده‌اید، به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما" (اول قرنیتان ۶: ۱۱)؛ و نیز: "لیکن چون مهربانی و لطف نجات‌دهنده ما خدا ظاهر شد، نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد، به غسل تولد تازه، و تازگی که از روح‌القدس است که او را به دولت‌مندی به ما افاضه نمود، به توسط نجات‌دهنده ما عیسی مسیح" (تیتس ۳: ۵-۶).

از روح‌القدس برای مبارزه با نفس کمک دریافت کنیم

بیاید به روح‌القدس اجازه دهیم که ما را در مبارزه‌ای که با طبیعت گناه‌آلود خود داریم، قوت بخشد و هدایت کند. پولس می‌فرماید: "آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می‌اندیشند، اما آنان که روحانی‌اند، به آنچه از روح است. طرز فکر انسان نفسانی، مرگ است، اما طرز فکری که در سیطره روح قرار دارد، حیات و آرامش است... اگر بر طبق نفس زندگی کنید، خواهید مرد؛ اما اگر به واسطه روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، خواهید زیست" (رومیان ۸: ۵-۶؛ ۱۳). و نیز: "اما می‌گویم به روح رفتار کنید که تمایلات نفس را به‌جا نخواهید آورد. زیرا تمایلات نفس بر خلاف روح است و تمایلات روح، بر خلاف نفس" (غلاطیان ۵: ۱۶-۱۷).

از روح‌القدس برای شاهد بودن قدرت بیایم

بیاید به روح‌القدس اجازه دهیم که ما را شاهدان امین عیسی مسیح بسازد. عیسی مسیح روح‌القدس را از پدر یافت و بر پیروان خود ریخت (اعمال ۲: ۳۳)، نه برای اینکه ایشان صرفاً به زبانها تکلم کنند، بلکه تا قدرت بیابند و شاهدان او باشند (لوقا ۲۴: ۴۸-۴۹؛ اعمال ۱: ۸). در اعمال ۴: ۳۱ چه زیبا این حقیقت را تشریح کرده، می‌فرماید: "چون ایشان دعا کرده بودند، مکانی که در آن جمع بودند، به حرکت آمد و همه به روح‌القدس پر شده، کلام خدا را به دلیری می‌گفتند." بیاید از روح‌القدس بتلبیم که ما را شاهدان امین مسیح بسازد تا هم با سخنانمان و هم با رفتارمان او را به دیگران بشناسانیم.

بگذاریم ما را به جمیع راستی هدایت کند

بیاید به روح‌القدس اجازه دهیم که ما را در طریقت مسیح و به جمیع راستی، در جهت درک امور روحانی و الهی هدایت کند، همانگونه که خداوند عیسی فرمود: "و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد... او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد" (یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۴).

و اینچنین است که می‌توانیم روح‌القدس را تکریم و حرمتی شایسته بگذاریم. آمین.